

# مطالعه موردی آسیب‌های روش‌های تدریس و ارزشیابی آموزش هنر دوره ابتدایی از نگاه معلمان شهرستان نور

لادن سلیمی<sup>۱</sup>، ملیحه نیازیان<sup>۲</sup>، عباس نیازیان<sup>۳</sup>

## چکیده:

یک طراحی آموزشی اندیشیده شده در برنامه درسی هنر، می‌تواند اهداف آموزشی بسیار گسترده‌ای را در دو حوزه تفکر شهودی و منطقی محقق نماید. در این طراحی آموزشی، روش صحیح تدریس و نوع ارزشیابی، در تحقق اهداف آموزشی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. براین اساس، هدف این پژوهش، بررسی میزان آگاهی معلمان دوره ابتدایی، از روش‌های آموزش و ارزشیابی درس هنر و آسیب‌های مترتب بر آن است. پژوهش حاضر، از نوع توصیفی-پیمایشی است که با کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. روش گردآوری اطلاعات، از نوع میدانی، کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه است. برای بررسی اعتبار پرسش‌نامه، از شاخص کفایت نمونه‌گیری کیزر-نیر-اوکلین (KMO) استفاده شده است که مقدار آن برابر با ۰,۸۷ است که به لحاظ دسته‌بندی مولفه‌ها، از اعتبار مناسبی برخوردار است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که: عدم حضور معلمان هنرمند، متخصص و خلاق در کلاس‌های هنر، یکی از آسیب‌هایی است که معلمان روی آن تاکید داشتند. همچنین استفاده از کتاب و سایر منابع مفید و مناسب، برای یکی از شیوه‌های تدریس این درس است که به دلیل فقدان آگاهی معلمان در استفاده از کتب مخصوص درس هنر و نبود امکانات آموزشی در درس هنر، این روش اجرا نمی‌گردد.

**واژگان کلیدی:** آموزش هنر، روش تدریس، ارزشیابی

---

۱- دکترای برنامه ریزی درسی، هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری. S.ladan@yahoo.com

۲- دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و آموزش و پرورش شهرستان نور

Malihe.Niazian@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد تاریخ سیاسی، معاون فناوری دبیرستان تیزهوشان پسرانه نور Parsan007@yahoo.com

**۱- مقدمه:**

بـرسد و نظام آموزشی، باتوجه به آسیب‌های موجود، برای برنامه ریزی آینده و کیفیت بخشیدن به آن تلاش نماید.

امروزه ما شاهد آن هستیم که دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت، با وجود این‌که تمام توان خود را بکار می‌گیرند، اما به نظر نگارنده، خروجی‌های آن همان دانش آموزانی هستند که ظرفیت و آمادگی لازم را برای عهده دار شدن مسئولیت‌های لازم در جامعه و گذار از مسیرهای ناهموار و رقابتی جهان امروز را ندارند. بنابراین با توجه به دیدگاه صاحب نظران، اهمیت و ارزش هنر و آموزش آن بر کسی پوشیده نیست. بنابراین برای رفع این نیاز مهم، ضروری است که آسیب‌های آموزشی درس هنر شناسایی شوند. نگارنده این پژوهش، نیز بر این باور است، که توجه به درس هنر و تربیت هنری و زیبا شناسختی می‌تواند، تغییراتی جدی در برنامه‌های یکنواخت آموزشی ایجاد کند و نگاه دست اندرکاران تعلیم و تربیت را به هنر و اهمیت آن افزایش دهد. به نظر می‌رسد که جای خالی این امر مهم در نظام

آموزشی ما به وضوح، احساس می‌شود. یکی از اهداف اصلی آموزش درس هنر در مدارس، تقویت حس زیبایی‌شناسی و رشد سیستم بصری دانش آموزان، پاسخ‌گویی به تخیل خلاق و روح لطیف و شاعرانه کودکان و نوجوانان است. عموماً این اهداف، در کلاس سایر دروس، کمتر قابل مشاهده است.

(محسنی، ۱۳۹۱). هدف کلی این تحقیق، شناسایی آسیب‌های مبتنی بر روش تدریس و ارزشیابی درس هنر در دوره ابتدایی است. بر این اساس سوال بنیادین که در این تحقیق مطرح می‌شود

هدف آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت دانش آموزان و بالا بردن سطح آگاهی آنان است. بدین جهت، برای دستیابی به این هدف مهم، آموزش هنر جزو دروسی محسوب می‌گردد، که باید مورد توجه ویژه‌ای قرار بگیرد. اگر درس هنر به درستی آموزش داده شود، دانش آموزان می‌توانند به سطح بالایی از اعتماد به نفس و خلاقیت دست یابند. هنر، در همه ایام و در زمینه‌های مختلف تمدن‌ها جای ویژه‌ای دارد. هنر را می‌توان به عنوان خلق زیبایی‌ها تعریف کرد، چون سرچشمه اصلی هنر، نوجویی و انگیزه درونی انسان به حساب می‌آید. (حوزوی، ۱۳۸۷). بنابراین، اگر برنامه آموزشی هنر خوب تنظیم شود و اهداف متعالی را دنبال کند، می‌تواند تأثیری مثبت در نحوه رشد شخصیت، فکر و احساسات دانش آموزان داشته باشد. هیچ برنامه آموزشی، بدون دخالت هنر کامل نیست. هنر می‌تواند در تدریس تمام واحدهای آموزشی به عنوان کاتالیزور عمل کند (هزاوه ای، ۱۳۶۵).

روش صحیح تدریس هنر و نوع ارزشیابی آن می‌تواند اهداف تعلیم و تربیت را تأمین نماید و انسان خلاق، فرهیخته و اندیشمندی را در عرصه‌های گوناگون تربیت نماید. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که آسیب‌های آموزش هنر و ارزشیابی را شناخت و راهکارهای مناسب را جهت بهبود آن ارائه داد. در این تحقیق، سعی بر آن است، که آسیب‌های آموزشی هنر در شیوه ارزشیابی و روش تدریس مورد شناسایی قرار بگیرند، تا با شناخت این مولفه‌ها کیفیت آموزش هنر در سطح مدارس کشور به حد مطلوب

نظراو هدف تربیت هنری، عبارت از توانا ساختن دانش آموزان و افراد دیگر به کسب مهارت‌های مربوط به بیان و ابراز هنرمندانه، طراحی، ارزش-گذاری و قدردانی نقادانه و نیز کسب آگاهی از هنر و تاریخ آن است (همان).

یک مورد دیگر از تعاریفی که در مورد تربیت هنری ارائه شده، تعریف تحلیلی بنت رایمر است. وی تربیت هنری را به عنوان «رشد آگاهی و حساسیت نسبت به ویژگی‌های زیبایی شناسانه اشیاء و پدیده‌ها» تعریف می‌کند (رایمر، ۱۹۷۲، ص ۲۹) از نظر این صاحب نظر عناصر و مفاهیم اساسی این تعریف براساس یک نظام معکوس (از آخر به اول) عبارتند از: ۱- اشیاء و پدیده‌ها ۲- ویژگی‌های زیبایی شناسانه ۳- حساسیت ۴- رشد. در اینجا منظور از اشیاء و پدیده‌ها موضوعات، اشیاء و پدیده‌ها و وقایع قابل مشاهده و ادراک می‌باشد. همچنین مجموعه خصائص و ویژگی‌های محسوس و ادراک شدنی که منتقل کننده یک احساس و نشانگر یک حالت تجلی یافته و بیانگرانه<sup>۳</sup> هستند، تحت عنوان «ویژگی‌های زیبایی شناسانه» قرار می‌گیرند. بنابراین نکته حائز اهمیت در تربیت هنری آن است که: اولاً این ویژگی‌ها دقیقاً مشخص و شناسایی گردند. ثانیاً جهت‌گیری اصلی در تدریس هنر، معطوف به تدریس این ویژگی‌ها باشد. توانایی برقراری ارتباط و تعامل فعال و تجربه کردن ویژگی‌های زیبایی شناختی، «حساسیت» نام دارد. از نظر رایمر،<sup>۴</sup> حساسیت، همان بهره‌مندی از ادراک زیبا شناسانه است که

این است که: «آسیب‌های روش تدریس هنر دوره ابتدایی از نگاه معلمان ابتدایی کدامند؟».

## ۲- مبانی نظری

### ۱-۲- تربیت هنری

«نهاد آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای، دارای کارکردهای مختلفی است. یکی از این کارکردها که مبین بخش مهمی از اهداف اساسی این نهاد است، تلاش در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعدادهاى هنری و زیبایی شناختی دانش‌آموزان یا اصطلاحاً تربیت هنری آنها است. اهمیت کارکرد فوق متاثر از این واقعیت است که آموزش هنر و تربیت هنری در رشد و بروز استعدادها و قابلیت‌های شناختی، عاطفی و مهارتی دانش‌آموزان نقش و تاثیر سازنده دارد.» (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۳). از نظر چاپمن،<sup>۱</sup> آموزش و پرورش وظیفه دارد که حواس و حساسیت‌های اساسی مردم را پرورش دهد. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که چگونه ببینند، بشنوند، ارتباط برقرار سازند و حرکت کنند. آنها باید بفهمند که چگونه محیط شان می‌تواند به احساس و عمل آنها شکل دهد. (چاپمن، ۱۹۷۱).

### ۲-۲- تعریف تربیت هنری:

مفهوم تربیت هنری از دیدگاه افلند<sup>۲</sup>، ناظر بر دو معنای کاربردی (عملی) و تئوریک (حوزه‌ی پژوهشی) است. «لغت تربیت هنری هم به معنای تدریس هنر به یک عمل یا فعالیت اشاره دارد و به عنوان یک حوزه تحقیقی و پژوهشی، فرآیند یاددهی و یادگیری را در هنر مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.» (افلند، ۱۹۹۴ ص ۳۳۸). از

2-Expressive

4. Rimer.B

1. Chapman

1. Efland

کرد. آهنگ‌هایی را باید نواخت و برگام‌هایی باید آهنگ ساخت که یا جرأت را در ما برانگیزند و یا آرامش و هماهنگی را پدید آورند و زمینه‌ای باشد برای میانه روی و خویش‌ن‌داری» (همان) با مرور اندیشه‌های افلاطون به نظر می‌رسد که او اولین فیلسوفی است که به نقش و کارکردهای موسیقی و هنرهای زیبا در آموزش و پرورش اندیشیده و به آن توجه و تاکید داشته است.

بعد از پستالوزی، فروبل<sup>۱</sup> مربی آلمانی با تأکید بیشتری بر یادگیری حسی، بازی‌ها و فعالیت‌های آزاد، به مثابه طبیعی‌ترین راه یادگیری و آگاهی از محیط و خود، توجه می‌کند. در واقع در ربع دوم قرن نوزدهم «اعتقاد به این که کودکان از طریق خود انگیزگی یاد می‌گیرند، فروبل را بر آن داشت تا مجموعه‌ای از اشتغالات را به وجود آورد که بداعت، فی‌البداهگی و نوآوری را در کودکان ترغیب و تشویق می‌کرد» (افلند، ۱۹۹۱، ص ۳۲۶). او برای نخستین بار یک موسسه آموزش کودکان قبل از سن تحصیل رسمی که نام "باغ کودکان"<sup>۲</sup> را بر آن نهاد تاسیس کرد. بعد از فروبل، باغ کودکان به اسم عامی برای تمام کودکانها در اروپا و آمریکا تبدیل شد. در واقع وی با عنوان باغ کودکان، تلویحاً می‌رساند که کودکان همانند نهال‌هایی هستند که طبیعت، نیروی رشد و تحول را در درون آنها به ودیعه نهاده است. (نقیب زاده، ۱۳۷۴). "مطالعات روان شناختی دانش‌آموزان که بر مبنای بررسی‌های تئوریک و تجربی اواخر دهه‌ی ۱۸۰۰ رشد یافته بود، سکوی پرتاب مهمی را برای تحول تربیت هنری در مدارس قرن جدید فراهم آورد" (افلند،

وی آن را از طریق دو نوع رفتار، متمایز و مشخص می‌کند.

## ۲-۳- تاریخچه تربیت هنری:

نخستین نشانه‌های توجه و استفاده از هنر در آموزش را در یونان باستان و به ویژه در کار فلاسفه‌ای مانند افلاطون و ارسطو ملاحظه می‌کنیم. در حدود ۵ قرن قبل از میلاد مسیح در آموزش و پرورش آتن، تئاتر و هنرهای همچون موسیقی، شعر و ... را به عنوان عناصر ضروری در امر آموزش به کار می‌گرفتند و جوانان به شدت در این زمینه‌ها تعلیم داده می‌شدند. «در آتن موسیقی به عنوان یکی از موضوعات اساسی که هر شهروندی باید آن را بداند و آن را بشناسد تلقی می‌گردید» (کورتیس و اسپیکر، ۱۹۷۷، ص ۱۴۲). در میان فلاسفه قدیم، افلاطون نخستین فیلسوفی است که هنرهای زیبا، موسیقی و داستان‌گویی را ابزاری مهم و کارساز برای تربیت روحی و روانی دانش‌آموزان قلمداد می‌کند و با توجه به تأثیر عمیق آن از دیدگاه تربیتی، به تحلیل انتقادی انواع داستان‌ها و موسیقی‌هایی می‌پردازد که برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده بود (نقیب‌زاده، ۱۳۷۴). «افلاطون معتقد بود که در داستان‌های مذکور، تصویری هراسناک و خوف‌آور از خدا ارائه شده است. تأثیر بد چنین تصویری، همانا از میان بردن جرأت است. زیرا کسی که مرگ را چنین هولناک بپندارد، هیچ‌گاه نمی‌تواند جسور و پردل و جرات باشد. و برای گریز از مرگ، به هر خواری تن در خواهد داد.» (همان، ص ۴۵) همچنین افلاطون می‌گفت: «از نواختن آهنگ‌هایی که سستی و افسردگی می‌آورد و نیز آهنگ‌هایی که هوس انگیزند و با خویش‌ن‌داری ناسازگار هستند، باید خودداری

<sup>1</sup> Froble

<sup>2</sup> Kindergarten

معنوی را مورد توجه قرار می‌دهد، باعث شد که اهداف جدیدی به موازات اهداف شناختی و عقلانی و روانی، حرکتی مطرح شوند.

«کراتول، در این اهداف، بر اهمیت آگاهی و معرفت زیبایی شناسانه، به عنوان یک عامل اخلاقی معنوی در آموزش و پرورش تاکید نمود. این توجه و تاکید جدی بر فرآیندهای یادگیری غیر شناختی و رشد آگاهی‌های مشاهده‌ای در دوران کودکی، بیانگر بعضی از مفاهیمی است که باغ کودکان فروبل براساس آن استوار بود».

## ۲-۴- رویکردهای تربیت هنری در نظام های آموزشی

هریک از صاحب نظران عرصه تربیت هنری، با توجه به دیدگاه های فکری که نسبت به اهداف و غایات تربیت هنری داشته اند، رویکرد ویژه ای را مطرح نموده اند. بحث رویکردهای تربیت هنری در نظام های برنامه ریزی درسی را باید مهم ترین موضوع و مبحث اجرایی در این زمینه دانست که بر اساس آن برای سایر اجزا و مولفه های برنامه، هم چون محتوای، روش و ارزشیابی، خطوط کلی تعیین می شود. ملاحظه و بررسی رویکردهای مختلف تربیت هنری، موبد آن است که در این حوزه، برداشت‌ها و نگرش‌های متفاوتی در زمینه جهت‌گیری‌های اساسی برنامه درسی هنر وجود دارد.

### ۲-۴-۱- رویکرد سنتی

این رویکرد، هنر را صرفاً به عنوان حوزه ای که مختص ابراز خلاقانه خویش است معرفی می کند. هنر، در چارچوب این اندیشه، محملی برای آزاد سازی ظرفیت های خلاق و آفرینش گرایانه فرد است تا در سطوح بالاتر و پیشرفته بتواند به

به عنوان یکی دیگر از اقدامات و تحولات که در این دوران تاثیر قابل توجهی بر روی هنر و تربیت هنری نهاد، باید از تاسیس مدرسه با هاوس در سال ۱۹۱۹ در وایمار آلمان یاد کرد که درصدد ایجاد تحول و تغییر در وضعیت و جایگاه تربیت هنری بود. اساس برنامه‌ی درسی این مدرسه که به وسیله فردی به نام آیتن<sup>۱</sup> تدوین شده بود، مبتنی بر رویکردها و روش‌های جدید آموزش هنر بود که از سائزک و کرشن اشتاینر اقتباس شده بود. در این مدرسه، موضوعات درسی و آموزشی در یک مسیر خوشایند و در عین حال سیستماتیک مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گرفتند تا دانش‌آموزان قادر به یافتن و کشف ویژگی‌های اصلی و اساسی آنها باشند. در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ اثر گذاری جان دیویی و نهضت منسوب به او یعنی نهضت پیشرو در تاکید هر چه بیشتر بر خلاقیت و بازی به عنوان یکی از عوامل مهم رشد دانش‌آموزان نمود پیدا کرد (امینی، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

در خلال جنگ جهانی دوم، هنر به اوج تعالی معنایی خود رسید. یعنی آن گاه که هربرت رید<sup>۲</sup> اظهار داشت که «هنر، مسائل و مشکلات مربوط به ملی‌گرایی و سیاست را منزه و پالوده می‌کند و صلح بین المللی را ارتقاء می‌بخشد». (افلند، ۱۹۹۴، ص ۳۲۹) اما طبقه‌بندی اهداف آموزشی از سوی دیوید کراتول<sup>۳</sup> و ارائه حیطه جدیدی تحت عنوان حیطه عاطفی که عمدتاً حصول و تحقق اهداف آموزشی مربوط به ارزش‌گذاری و ایجاد نگرش‌های اخلاقی و

<sup>۱</sup> Itten

<sup>۲</sup> Herbert Read

<sup>۳</sup> David Krathwohl

پرورش مهارت‌های دست ورزی و ساخت اشیا معطوف نمود. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که در رویکرد تولید هنری دانش‌آموزان از طریق ساخت و تولید آثار مختلف ضمن رشد مهارت‌های عملی، نیت و تمینات درونی خود را در اشکال نمادین تولید و ابراز می‌دارند. بدین-وسیله شناخت و آگاهی و ارزش‌گذاری خود را از پدیده‌های مختلف هنری رشد و گسترش می‌دهند. (همان، ۱۳۸۴).

### ۲-۴-۳- رویکرد مبتنی بر فهم عمیق معانی یا دریافت احساس و معنا

این رویکرد بر قراری تعامل فعال با پدیده‌ها و آثار هنری برای درک و شناخت عمیق آنها و نیز به استنباط و استخراج معانی و مضامین اصلی آنها تاکید می‌کند. نماینده برجسته این رویکرد برودی است او تاکید می‌کند اساسا جایگاه هنر و تربیت هنری را نه بر مبنای تولید محصولات غیر زیبایی شناختی و کارکردهای ثانویه آن بلکه باید بر اساس تاثیر و کمکی که به رشد ارزش‌های زیبایی شناختی می‌کند به رسمیت شناخت (امینی، ۱۳۸۴).

برودی، در بحث مربوط به تربیت زیبایی شناسی، به تولید و خلق اثر هنری به عنوان یک ضرورت می‌نگرداو می‌گوید که: سواد زیبایی شناختی، نیازمند حداقل قابلیت‌ها در کاربرد رسانه‌های گوناگون برای خلق اثر، البته نه در حد و اندازه‌ی یک هنرمند حرفه‌ای است (مهر محمدی، ۱۳۸۳).

### ۲-۴-۴- رویکرد دیسیپلین محور

این رویکرد از دهه ۱۹۸۰ مطرح شد و مورد توجه فراوان محافل علمی و همچنین محیط‌های آموزشی قرار گرفت. این رویکرد به هنر به عنوان

احساس، ادراک، تصور و اندیشه‌های خود فرم یا صورتی خارجی بدهد و به دیگران منتقل کند. می‌توان گفت که این رویکرد، آزادی مطلق دانش‌آموزان را در تربیت هنری از لوازم قطعی آن می‌داند. اما منتقدان رویکرد سنتی، براین باورند که گرچه هنر به شکل غیر قابل تشکیکی با ابراز و اظهار خلاقانه عجین است اما آن را برابر دانستن با اعطای آزادی عمل مطلق به دانش‌آموزان درست نیست. بنابراین چنین می‌توان گفت که هر نوع رویکردی نسبت به تربیت هنری را نمی‌توان مورد قبول دانست. از این رو تا مل درباره رویکردهای متنوعی که در این زمینه مورد توجه است ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. (مهر محمدی، ۱۳۸۳).

### ۲-۴-۲- رویکرد تولید هنری یا تولید محور

در این رویکرد، هنر سازی یا تولید هنری، مفهوم محوری و اصلی است. از این رو برنامه‌های درسی هنر، آن‌گاه دارای اثر بخشی است که بتواند مهارت‌ها و قابلیت‌های کارکردی زیبایی شناختی را در دانش‌آموزان به وجود بیاورد. (امینی، ۱۳۸۴).

بحث گاردنر<sup>۱</sup> در زمینه چگونگی ترکیب یافته‌های ناظر به رشد و تحول طبیعی انسان و یادگیری در چارچوب نظام رسمی آموزشی، بحثی کلی است که از نظر وی پیش‌نیاز یا مبنای نظری او در رویکرد تولید محورش به آموزش است. در واقع گاردنر تاکید می‌کند که در قلمرو تربیت هنری و در مسیر آفرینش و ساخت اشیا و آثار هنری و به ویژه در مقطع ابتدائی باید به شکل محدود و اندک، به بیان و ارائه دانش کلامی و مفهومی به دانش‌آموزان اقدام کرد و توجه و تاکید عمده را بر

<sup>۱</sup>.Gardener.H

دانش آموزان فرصت می دهند که از توان ذهنی خویش، برای نیل به هدفی خاص، که همان دستیابی به یک راه حل برای مساله است، بهره ببرند. حل مساله در حوزه هنر، علاوه بر این که دارای کارکرد انگیزشی است، سبب پرورش اشکال پیچیده و بسیار ارزشمند تفکر نیز می شود که در سایر مواد درسی کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. طرفداران این رویکرد تصریح می کنند که در یک نگرش جامع و وسیع، باید زمینه مشارکت دادن و درگیر ساختن دانش آموزان را با ابعاد و کارکردهای مختلف هنر فراهم کرد نه این که صرفاً یک جنبه یا کارکرد خاص هنر را مورد توجه قرار داد (مهر محمدی، ۱۳۸۳).

#### ۲-۶- پیشینه تحقیق

شریف زاده (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «مبانی هنرهای سنتی» به این نتیجه دست یافته است که دانش آموزان به دلیل داشتن استعدادهای فراوان در زمینه‌های گوناگون باید مورد توجه قرار گیرند و معلمان هنر نباید در کلاس فقط به یک رشته هنری نقاشی و خط توجه نمایند آموزش هنر رشته‌های مختلفی از جمله قصه و قصه گویی، نمایش، کاردستی و... را شامل می شود که هر دانش آموز باید برحسب علاقه و استعداد خود آموزش ببیند.

محسنی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان

«آسیب شناسی آموزش هنر در مدارس» به این نتیجه رسید که نگاه ابزاری به هنر و هنرمند، آنچه را که متأسفانه بسیاری از مدیران و به تبع آن کارشناسان فرهنگی گرفتار آن هستند و عدم توجه به دانش آموزان به عنوان کسی که می توانند برای مدرسه افتخاراتی را کسب

یک دیسپلین می‌نگرد و از این حیث باید در زمره تلاش‌هایی منظور شود که احراز صلاحیت و شایستگی هنر را مرهون نگاه دیسپلینی به آن می‌دانند. استفاده از واژه *discipline* در این رویکرد، تربیت هنری را به عنوان یک قلمرو معرفتی خاص که دارای چهارچوب و حد و مرز محتوایی تعریف شده است معرفی می‌کند. چرا که این واژه نخست دلالت بر مجموعه‌ای از دانش محتوایی مدون و سازمان یافته دارد. دوم این که مطالعه و عملکرد تخصصی در این حوزه را به ذهن متبادر می‌کند و سوم این که دارای مجموعه‌ای از روش‌های ویژه است که کشف و مطالعه هر یک از حوزه‌های چهارگانه را ممکن و تسهیل می‌کند. از جمله اهداف برنامه درسی در این رویکرد می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- کودکان باید لذت بخشی برآمده از خلق آثار تجسمی را تجربه کنند و فرصت کسب مهارت‌های لازم برای دستیابی به این تجربه لذت بخش را داشته باشند. ۲- حساسیت بصری باید در کودکان پرورش یابد. ۳- کودکان باید رابطه میان فرهنگ و هنر را دریابند. ۴- کودکان باید یاد بگیرند که چگونه در گفتگوی دائمی درباره ماهیت هنر شرکت کنند و ملاک‌هایی را برای قضاوت زیباشناختی خویشتن داشته باشند. (موسسه گتی، ۲۰۰۰).

#### ۲-۴-۵- رویکرد مساله محور یا موضوع مدار

این رویکرد تاثیر واحد و منحصری بر یک حوزه هنری خاص ندارد، بلکه به منزله نگرشی جامع تر نسبت به آموزش و یادگیری هنری است. فعالیت‌های یادگیری که به احتمال قوی می‌توانند رضایت درونی یادگیرنده‌گان را فراهم کنند، فعالیت‌های مساله محور هستند. این فعالیت‌ها به

### ۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی است. با توجه به این که هدف از مطالعه حاضر توصیف، شرایط و میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی در ارتباط با آسیب‌های آموزش هنر در روش تدریس و شیوه ارزشیابی است، این پژوهش در قالب توصیفی قرار می‌گیرد. جامعه آماری آن شامل همه معلمان دوره ابتدایی شهرستان نور می‌شود. تعداد کل معلمان ابتدایی براساس آمار گروه آموزش ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان نور معادل ۳۰۱ نفر هستند که از بین مدارس دخترانه و پسرانه انتخاب شدند. در این پژوهش روش جمع‌آوری از نوع میدانی و کتابخانه‌ای است. برای گردآوری اطلاعات میدانی از روش پرسشنامه‌ای محقق ساخته با ساختار علمی استفاده شد.

### ۴- یافته‌ها و نتایج حاصل از تحقیق

سؤال اول - آسیب‌های روش تدریس هنر دوره ابتدایی از نگاه معلمان ابتدایی کدامند؟

نماید و یا با بی‌توجهی به معلم هنر که می‌تواند تأثیرات زیادی را با آموزش هنر خود بر روی دانش‌آموزان داشته باشد، همه این موارد را به عنوان موانع پیشرفت آموزش هنر در مدارس دولتی و غیردولتی اشاره کرد.

عباسی شاهکوه (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «هنر و نقش آن در پرورش خلاقیت، ارتقاء سلامت روانی و سواد بصری دانش‌آموزان» به این نتیجه رسید که: مواد آموزش باید قدرت تخیل و تصویرسازی ذهنی دانش‌آموزان را تقویت کند. معلم باید از فعالیت‌های دیگری نیز در برنامه‌های آموزش خلاق خود استفاده کند. دانش‌آموزان را به گردش‌های علمی و هنری ببرد از آنها تحقیقی درباره موضوعات مختلف بخواهد آنها را به انجام فعالیت‌های هنری مثل نمایشنامه، نمایشگاه، عکس، تهیه نشریه و تشریح ... نماید. آنها را با ابزارهای گوناگون و طریقه استفاده از آنها آشنا کند و از وسایل کمک آموزشی جهت پیشرفت آموزشی فراگیران استفاده نماید.

جدول (۱) نتایج حاصل از محاسبه شیوه تدریس آزمودنی‌ها از طریق آزمون توزیع دو جمله‌ای

متغیر	گروه	طبقه	تعداد	مشاهده	آزمون	معنی داری
	گروه ۱	بالتر از متوسط	۷۸	۰/۴۵		
روش تدریس					۰/۵۰	۰/۲۵۳
	گروه ۲	پایینتر از متوسط	۹۴	۰/۵۵		

سؤال دوم - آسیب‌های روش ارزشیابی هنر دوره ابتدایی از نگاه معلمان ابتدایی کدامند؟

جدول فوق نشان می‌دهد که معلمان اغلب، شیوه تدریس پایین‌تر از متوسط را انتخاب نمودند. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که در حال حاضر شیوه تدریس مناسب آموزش هنر در بین معلمان در جامعه مربوط به پژوهش حاضر رعایت نمی‌شود. ( $P > 0/05$ ).



جدول ۲) نتایج حاصل از محاسبه ارزشیابی آزمودنی‌ها از طریق آزمون توزیع دو جمله‌ای.

متغیر	گروه	طبقه	تعداد	مشاهده	آزمون	معنی داری
	گروه ۱	بالتر از متوسط	۹۶	۰/۵۶		
شیوه ارزشیابی					۰/۵۰	۰/۱۴۷
	گروه ۲	پایینتر از متوسط	۷۶	۰/۴۴		

جدول فوق نشان می‌دهد که هرچند معلمان شیوه ارزشیابی در جهت تحقق اهداف آموزش هنر براساس معیار بالاتر از متوسط را انتخاب نمودند، اما نتایج نشان می‌دهد که در حال حاضر شیوه ارزشیابی صحیح جهت تحقق اهداف هنر صورت نمی‌گیرد. ( $P > 0/05$ )

سوال اول عبارت است؛ از آسیب‌های اصلی روش تدریس هنر ابتدائی از دیدگاه معلمان کدامند؟

جدول ۳) نتایج حاصل از محاسبه شیوه تدریس در استفاده از کتاب، میزان تسلط معلم، علاقمندی به هنر، استفاده از وسایل کمک آموزشی، کمبود زمان تدریس و شیوه تدریس آزمودنی‌ها از طریق آزمون دو جمله‌ای

متغیر	گروه	طبقه	تعداد	مشاهده	آزمون	معنی داری
	گروه ۱	بالتر از متوسط	۷۹	۰/۴۶		
کتاب					۰/۵۰	۰/۳۳۲
	گروه ۲	پایینتر از متوسط	۹۷	۰/۵۶		
تسلط معلم					۰/۵۰	۰/۱۰۹
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۷۵	۰/۴۴		
	گروه ۱	بالتر از متوسط	۹۹	۰/۵۸		
علاقه مندی به هنر					۰/۵۰	۰/۰۵۶
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۷۳	۰/۴۳		
	گروه ۱	بالتر از متوسط	۸۹	۰/۵۳		
وسایل کمک آموزشی					۰/۵۰	۰/۷۰۳
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۸۳	۰/۴۸		
	گروه ۱	بالتر از متوسط	۱۱۷	۰/۶۸		
کمبود زمان تدریس					۰/۵۰	۰/۰۰۰
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۵۵	۰/۳۲		
	گروه ۱	بالتر از متوسط	۷۸	۰/۴۵		
شیوه تدریس					۰/۵۰	۰/۲۵۳
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۹۴	۰/۵۵		

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود تنها در مولفه کمبود زمان تدریس تعداد بیشتری از معلمان معیار بالاتر از متوسط را انتخاب نمودند. بنابراین نتایج مربوط به این مولفه

بیانگر معنا دار بودن آن (علیرغم معنادار نبودن مولفه های دیگر) هستند ( $p < 0/01$ ) همچنین جدول فوق نشان می‌دهد معلمان شیوه تدریس پایین‌تر از متوسط را بیشتر انتخاب نمودند. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که در حال حاضر شیوه تدریس مناسب آموزش هنر در بین معلمان در جامعه مربوط به پژوهش حاضر رعایت نمی‌شود. ( $p > 0/05$ )

سؤال دوم عبارت است از آسیب های اصلی روش ارزشیابی هنر ابتدایی از دیدگاه معلمان کدامند؟

جدول ۴ نتایج حاصل از محاسبه ارزشیابی در اعمال سلیقه، نحوه برگزاری، استفاده از وسایل کمک آموزشی، توزیع سئوالات، عینی بودن سئوالات، توجه به تفاوت های فردی و شیوه ارزشیابی آزمودنی‌ها از طریق آزمون توزیع دو جمله‌ای.

متغیر	گروه	طبقه	تعداد	مشاهده	آزمون	معنی داری
سلیقه ای بودن	گروه ۱	بالاتر از متوسط	۱۰۵	۰/۶۱		
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۶۷	۰/۳۹		۰/۵۰
نحوه برگزاری امتحان	گروه ۱	بالاتر از متوسط	۱۰۷	۰/۶۲		
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۶۵	۰/۳۸		۰/۵۰
کاربرد وسایل کمک آموزشی	گروه ۱	بالاتر از متوسط	۷۱	۰/۴۱		
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۱۰۱	۰/۵۹		۰/۵۰
توزیع سئوالات	گروه ۱	بالاتر از متوسط	۳۸	۰/۱۶		
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۱۴۴	۰/۸۴		۰/۵۰
عینی بودن	گروه ۱	بالاتر از متوسط	۶۴	۰/۳۷		
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۱۰۸	۰/۶۳		۰/۵۰
توجه به تفاوت‌های فردی	گروه ۱	بالاتر از متوسط	۹۳	۰/۵۶		
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۹۷	۰/۴۴		۰/۵۰
شیوه ارزشیابی	گروه ۱	بالاتر از متوسط	۹۶	۰/۵۶		
	گروه ۲	پایین تر از متوسط	۷۶	۰/۴۴		۰/۵۰

عینی بودن ارزشیابی را انتخاب نمودند. براساس این مولفه‌ها نتایج نشان می‌دهد که شیوه ارزشیابی در جهت تحقق اهداف آموزش صورت

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، معلمان بیشتری مولفه‌های سلیقه ای بودن و نحوه برگزاری کاربرد وسایل کمک آموزشی و

فقدان معلمان متخصص هنر در کلاس درس می‌تواند آسیب‌های جدی را در آموزش این درس ایجاد نماید. محسنی (۱۳۹۱) نیز عدم فقدان معلمان متخصص و هنرمند و همچنین بی‌انگیزه بودن معلمان هنر را جزو آسیب‌های آموزش هنر می‌داند که با یافته‌های این پژوهش نیز همسو است. همچنین چرس تینا (۲۰۱۱) عدم تخصص معلمان را مانع آموزش صحیح هنر می‌داند و معتقد است که این امر دانش‌آموزان را از درس هنر و اهمیت آن دور می‌سازد. این نتیجه با یافته‌های فوق همسو و هم جهت است.

در شیوه تدریس هنر استفاده از کتاب و سایر منابع برای تدریس به عنوان سؤال این پژوهش مطرح است با توجه به نتایج به دست آمده به دلیل تسلط نداشتن معلمان در استفاده از کتاب خاص هنر و نبود امکانات آموزش درس هنر در حال حاضر این شیوه تدریس در بین معلمان رعایت نمی‌شود. معلمان با تأکید بر تقلید و الگوبرداری، دانش‌آموزان را از اندوخته‌های گذشته خود آموزش می‌دهند، که این عامل، مانع بروز خلاقیت و نوآوری می‌شود. نتایج به عمل آمده با نظرات عبدالهی (۱۳۷۳) همسو است. نگارنده به این نتیجه دست یافت که نبود الگوی مناسب فرهنگی می‌تواند، راه تقلید را هموار سازد و خلاقیت را از دانش‌آموزان سلب نماید. پرنسس (۲۰۰۰) نیز به این نتیجه دست یافت که هنر اساس شناخت اولیه است. اگر آموزش هنر به‌طور صحیح و عدم تقلید از الگوهای خاص صورت پذیرد موجب رشد

می‌گیرد. ( $P < 0/01$ ) اما در مولفه‌های توجه به تفاوت‌های فردی و شیوه ارزشیابی در جهت تحقق اهداف هنر صورت نمی‌گیرد. ( $P < 0/01$ ) (به طور کلی جدول فوق نشان می‌دهد که هرچند که اغلب معلمان شیوه ارزشیابی در جهت تحقق اهداف آموزش هنر براساس معیار بالاتر متوسط را انتخاب نمودند، اما نتایج نشان می‌دهد که در حال حاضر شیوه ارزشیابی در جهت تحقق اهداف آموزش هنر صورت نمی‌پذیرد. ( $P > 0/05$ ))

## ۵- نتیجه گیری

با توجه به نتایج تحقیقات صورت گرفته داخلی و خارجی و مطالعات به عمل آمده در این خصوص، وجود آسیب‌های گوناگون در آموزش هنر دوره ابتدایی مانع بروز خلاقیت، اعتماد به نفس، ادراک زیبایی‌شناختی می‌شود. نگارنده در این پژوهش سعی نموده تا با شناسایی آسیب‌های آموزش هنر در بخش تدریس و شیوه ارزشیابی زمینه مساعدی را جهت ارزش‌گذاری به این درس در مدارس فراهم سازد.

سوال اول پژوهش: آسیب‌های روش تدریس آموزش هنر کدامند؟ این پژوهش در بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در شیوه تدریس به این نتیجه رسید که در حال حاضر عدم حضور معلمان هنرمند، متخصص و خلاق در کلاس هنر یکی از آسیب‌هایی است که معلمان روی آن تأکید داشته‌اند. این یافته‌ها با نظرات گودرزی (۱۳۷۷) نزدیک و همسو است، ایشان نیز در بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه رسید که

محیط کلاس آسیب جدی بر رشد خلاقیت هنری دانش آموزان وارد می‌کند. بدیهی است که معلمان هنر به دلیل فقدان محیط مناسب کارگاه هنری در اکثر مدارس در آموزش هنر دچار مشکل و سردرگمی هستند. شرفی (۱۳۷۵) در بررسی و مطالعه خود به این نتیجه رسید که: جدا از مشکلات محتوایی و فکری در آموزش، هنر فقدان فضای مناسب و امکانات کارگاهی مورد نیاز در تدریس درس هنر و آموزش آن در مدارس بسیاری از معلمان را به رها کردن این برنامه درسی و آموزش آن وا داشته است.

یکی دیگر از مواردی که این پژوهش به آن دست یافته است عدم اطلاع کافی معلمان و دانش‌آموزان از ابزار و وسایل کمک آموزشی و طریقه استفاده از آنها است معلمان دوره ابتدایی به دلیل نبود آموزش کافی جهت آموزش هنر و آشنایی با ابزار و وسایل هنر، را جزو آسیب‌هایی می‌دانند که در آموزش هنر نقش زیادی دارد.

همچنین به دلیل عدم آگاهی لازم معلمان دوره ابتدایی به شیوه صحیح تدریس هنر در جنبه‌های گوناگون و عدم توجه دست‌اندرکاران نظام آموزشی به درس هنر آسیب‌های جدی را می‌توان بر افکار دانش‌آموزان احساس کرد، اگر تاثیرات سوء این آسیب‌ها از آموزش و پرورش ما برداشته نشود تهدید آن قابل‌جبران نیست. پژوهش فوق به شناسایی آسیب‌های شیوه ارزشیابی نیز دست یافته است. عدم توجه به تفاوت نگاه سطحی و بررسی سلیقه‌ای نیز از جمله آسیب‌های فردی در ارزشیابی آثار دانش‌آموزان است که معلمان در

اجتماعی فراگیران می‌شود و کیفیت زندگی فرد را فراهم می‌سازد.

عدم شناخت کافی از ارزش و جایگاه آموزش هنر از دیدگاه مدیران، معلمان و والدین در پرورش حس و تفکر فرزندان یکی از آسیب‌هایی است که این پژوهش به آن دست یافته است. همان‌گونه که مدیران و اولیا به درس‌های علوم پایه توجه ویژه‌ای دارند و برای آموزش فرزندان خود در این زمینه تلاش می‌کنند باید به اهمیت آموزش هنر پی ببرند و برای آن نیز جایگاه ویژه‌ای را در نظر داشته باشند. عدم آگاهی لازم در زمینه ارزش هنر در بعد تعلیم و تربیت، این معضل را به وجود آورده است (مهرمحمدی، ۱۳۷۶) که والدین و مدیران هنر را فقط در سطح لذت‌آفرینی و فراهم ساختن فضایی برای سرگرم کردن دانش‌آموزان می‌دانند. رابرت بیچنیک (۱۹۹۷) به این نتیجه رسیدند که: زمانی ذهن و خلاقیت فرزندان رشد کرده و شکوفا می‌شود، که نگاه معلمان و خانواده، به درس هنر و آموزش آن یک نگاه سطحی و بی‌ارزش نباشد.

فقدان فضای مناسب آموزشی و نبود کارگاه هنری در مدارس نیز یکی از سوالات پژوهشی بود که معلمان از آن به عنوان یک آسیب جدی تأکید داشتند، هنر به دلیل شرایط خاص کاری در بخش آموزش و تربیت نیاز به یک فضای مناسب و کارگاه تخصصی دارد که دانش‌آموزان با قرار گرفتن در آن فضا حس زیبایی‌شناختی خود را به کار می‌گیرند و آثار بسیار زیبایی را خلق می‌نمایند. نبود این گونه فضا و تکراری بودن

کافی صورت نگیرد، آینده نظام آموزشی در بخش آموزش هنر دچار مشکلات فراوانی می‌شود و نتیجه آن گونه‌ای تربیت نیروی انسانی است که خلاقیت و نوآوری از آن سلب شده است. بنابراین برای پویا ساختن آموزش هنر در مدارس و رفع موانع آن که به ناکارآمدی نظام آموزشی هنر انجامیده است، ایجاد انگیزه و اراده‌ای مصمم برای حرکت در این مسیر و تغییر بینش و دیدگاه مدیران آموزشی در سطح کلان و بسیاری از معلمان و والدین در سطوح پائین‌تر نسبت به حقیقت و ماهیت هنر و کارکرد آن در دانش آموزان لازم است که آسیب‌های موجود را شناسایی و جهت رفع آن تلاش نمود. به دلیل عدم آگاهی و نداشتن تسلط کافی در بخش آموزش هنر از سوی معلمان و والدین به کودکان، فرصت داده نمی‌شود که هنگام فعالیت‌های هنری، افکار خود را آزادانه بیان کنند گاه نیز با قواعد و قوانین مربوط به آموزش بزرگسالان به تعلیم و تربیت کودکان می‌پردازند. با این روش درحقیقت کودکان را مجبور می‌کنند تا از خلاقیت دست بکشند و به نسخه‌برداری که در بهترین صورت تنها به کسب مهارت ختم می‌شود پردازند.

این پژوهش ———— ر آن تأکید داشتند. نواب صفوی (۱۳۸۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که: توجه به تفاوت‌های فردی در هنگام ارزشیابی سبب پیشرفت ذهن خلاق دانش‌آموزان می‌شود و فراگیران را آماده می‌سازد تا قدرت انتقادپذیری داشته باشند.

سوال دوم پژوهش: آسیب‌های شیوه ارزشیابی آموزش هنر کدامند؟

در شیوه ارزشیابی هنر نیز یکی از آسیب‌های که به آن پرداخته شد و مورد تأکید معلمان بود، مقایسه آثار دانش‌آموزان با یکدیگر است که این موضوع باعث رنجش خاطر دانش‌آموزان می‌شود، نواب صفوی (۱۳۸۵) نیز در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که نباید آثار دانش‌آموزان را با یکدیگر مقایسه و مورد ارزیابی قرارداد چون هر دانش‌آموز بر حسب توانایی و احساس خود با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کند و آن را می‌شناسد. بنابراین یکی از آسیب‌هایی مهمی که در این پژوهش در شیوه ارزشیابی به آن دست یافت، تقلید از الگوهای هنری است که معلمان به دانش‌آموزان ارائه می‌کنند. درحقیقت با این شیوه معلم خلاقیت و احساس دانش‌آموزان را محصور و منحصر می‌کند به آنچه که خود می‌خواهد نه آنچه را که دانش‌آموز دوست دارد و می‌تواند نقش و اثری را خلق کند.

با وجود یافته‌های این پژوهش و نگاه مه‌آلود نظام آموزشی و بنابر افکار متخصصین، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر به درس هنر به دلیل اهمیت و ویژگی‌های خاصی که دارد توجه

## منابع

۱. امینی، محمد، (۱۳۸۴)، تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، تهران، نشر آیش.
۲. حوزی، سیدحسین، (۱۳۸۷)، روشها و فنون تدریس هنر سازمان پژوهش و برنامه‌آموزشی وزارت آموزش و پرورش.
۳. شریف زاده، سید عبالمجید، و همکاران، ۱۳۸۵، راهنمای درس هنر دوره ابتدایی، انتشارات آموزش و پرورش.
۴. عباسی شاهکوه، فهیمه، (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات، هنر و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مشهد نشر تمرین.
۵. مایرز، چت، (۱۳۷۴) آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ابیلی، چاپ اول، تهران، نشر سمت.
۶. محسنی، علی، (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات هنر و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نشر تمرین.
۷. مهرمحمدی، محمدود، (۱۳۸۳)، استانداردهای فرآیند تدریس و ارتقای کیفیت توهیم، مجموعه مقالات همایش علمی و استانداردهای سازی در آموزش و پرورش، تهران، انتشارات مدرسه.
۸. نقیب زاده، عبدالحسین، (۱۳۷۴)، نگاهی به فلسفه‌ی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات کتابخانه‌ی طهوری.
۹. هزاوه‌ای، هادی، آموزش هنر، تهران: سازمان پژوهش آموزش و پرورش.
10. Chapman , Laura H (1971) Art education . Trends and problems . The Encyclopedia of Education . Lee C . Deighton . Editor – in – chief . Vol 1 . The Macmilan company And The Free Press
11. Curtis , Thomas E . Speiker , Charles (1977) Aesthetic in America Education: A Position Statement . Education alleader ship . Vol 35 .
12. Efland , A. (1991). Art : Education programs. The Encycolopedia of Curriculum. Edited by Arieh Lewy. Pergaman Press.
13. Garretson , R , L (1991) Music Curricula . The International Encyclopedia of curriculum. Edit by Arieh Lewy . Pergamon Press .
14. Reimer , Bennet (1972) Putting Aesthetic Education to work . Nusic Educatore Journal. Number 1 .
15. Saunders , Robert J (1971) Art Education : History . The Encyclopedia Of Education . Lee C . Deighton . Editor – in – chief . Vol 1 . The Macmilan company And The Free Press .